

Explaining the Opportunities and Threats of Kejru Subcultures Emphasizing on the Encounter of Amir al-Momenin with Khawarij

*Mohammad Qasempour Qazi Mahalleh**

Master student of Muslim social science, Baqer al-Uloom University, Qom

Email: mohammadghasempur@chmail.ir

Abstract

The present work explores the opportunities and threats of subcultures. Confronting this type of crime and crookedness, due to its cultural nature, has a certain elegance and complexity. Amir al-Momenin's (AS) encounter with Khawarij subculture, due to the infallibility of the position of imamate and the similarity of Khawarij's example with many subcultures of the present era, can be a suitable model for encountering with the subcultures of the present era. Therefore, the strategy of this paper is to respond to the contemporary problem of turning the threat of Kejru subcultures into opportunities by referring to a historical example in the early days of Islam, the Khawarij movement. The research method for data collection is citation and content analysis in terms of processing. Based on this study, the condition for using the opportunity of kejro subcultures is the official method of reforming companionship in subcultures of Kejru and tolerance and toleration against them and adopting soft methods such as scientific debate and debate to correct them. Using harsh methods, except in emergencies, can make these opportunities a threat.

Keywords: Imam Ali, Khawarij, Kajru subcultures.

*. Date of Reception: 2019/06/02 , Date of Acceptation: 2019/09/06

تبیین فرصت‌ها و تهدیدهای خرده‌فرهنگ‌های کجرو

با تأکید بر مواجهه امیرالمؤمنین (ع) با خوارج

محمد قاسم‌پور قاضی محله*

دانشجوی کارشناسی ارشد دانش اجتماعی مسلمین، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم

Email: mohammadghasempur@chmail.ir

چکیده

اثر حاضر به بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای خرده‌فرهنگ‌های کجرو می‌پردازد. مقابله با این نوع از جرم و کجروی، به دلیل دارا بودن ماهیت فرهنگی، ظرافت و پیچیدگی خاصی دارد. مواجهه امیرالمؤمنین (ع) با خرده‌فرهنگ خوارج، به دلیل عصمت جایگاه امامت و شباهت نمونه خوارج با بسیاری از خرده‌فرهنگ‌های عصر حاضر، می‌تواند الگوی مناسبی برای مواجهه با خرده‌فرهنگ‌های عصر حاضر باشد. لذا راهبرد این مقاله، پاسخ به مسأله‌ای معاصر یعنی تبدیل تهدید خرده‌فرهنگ‌های کجرو به فرصت، با مراجعه به یک نمونه تاریخی در صدر اسلام، یعنی جریان خوارج است. روش تحقیق از جهت گردآوری اطلاعات، استنادی و از جهت پردازش، تحلیل محتوا است. براساس این بررسی، شرط استفاده از فرصت خرده‌فرهنگ‌های کجرو، رویه رسمی اصلاح همنشینی در خرده‌فرهنگ‌های کجرو و مدارا و رواداری در مقابل آن‌ها و اتخاذ شیوه‌های نرم مانند بحث و مناظره علمی برای اصلاح آن‌ها است. به کار بردن روش‌های سخت و خشن، جزدر مواقع اضطرار، می‌تواند این فرصت‌ها را به تهدید تبدیل کند.

کلیدواژه: سیره امام علی (ع)، خوارج، خرده‌فرهنگ‌های کجرو.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۵

مقدمه و بیان مسئله

خرده‌فرهنگ‌های کجرو، یکی از عوامل و زمینه‌های جرم و کجروی در جامعه هستند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۴۴۹). طبق این دیدگاه جرم و کجروی ماهیت فرهنگی دارند و قابل اکتساب و یادگیری هستند (وایت و هینز، ۱۳۸۳، ص ۱۵۸-۱۵۹). یکی از ریشه‌های شکل‌گیری این خرده‌فرهنگ‌ها، نابرابری‌های موجود در جامعه است (وایت و هینز، ۱۳۸۳، ص ۱۷۰). طبق فرمایش مقام معظم رهبری، متأسفانه کشور ما نیز در بحث عدالت عقب مانده است (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ‌های تاریخ‌های ۷ خرداد ۱۳۹۸ و ۲۹ بهمن ۱۳۹۶) و این عقب ماندگی در عدالت و نابرابری، می‌تواند موجب شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های کجرو حتی با رنگ و لعاب دینی و مذهبی شود که تبعات منفی برای جامعه دارد.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این خرده‌فرهنگ‌های کجرو، چه فرصت‌ها و تهدیدهایی با خود به همراه دارند و شرط استفاده از این فرصت‌ها و دفع تهدیدها چیست؟ این پژوهش با بهره‌گیری از سیره‌امیرالمؤمنین (علی‌ع) در مواجهه با خوارج، این فرضیه را مطرح می‌کند که خرده‌فرهنگ‌های کجرو، دارای ظرفیت‌های فراوانی هستند که در صورت برخورد مناسب حاکمیت، این ظرفیت‌ها، به فرصت‌هایی برای پیشرفت کشور تبدیل خواهند شد. این مهم از طریق رواداری و جذب این خرده‌فرهنگ‌ها و اصلاح هم‌نشینی در آن‌ها حاصل خواهد شد. اما در صورتی که حکومت، این خرده‌فرهنگ را طرد کند، آن‌ها به تهدیدی علیه کشور تبدیل خواهند شد.

وجه اهمیت بررسی خوارج به عنوان نمونه تاریخی در این تحقیق این است که اولاً امیرالمؤمنین (ع) در راس حکومت و در مقابل خوارج قرار داشتند و عملکرد ایشان به عنوان امام معصوم، حجت و قابل‌الگوگیری است و ثانیاً فرآیند برخورد امیرالمؤمنین (ع) با آن‌ها، نسبتاً طولانی است، به طوری که جلوه‌های مختلف فرصت و تهدید در آن آشکار است. وجه دیگر اهمیت بررسی خوارج، این است که طبق برخی روایات، خوارج تا زمان قیامت (عاملی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۶ و ۳۲۵) باقی می‌مانند، به عنوان مثال امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «اگر از این امت احدی باقی نماند مگر سه نفر، یکی از آن سه تن، عقیده خوارج را خواهد داشت. آنان در پشت مردان و زهدان زنان هستند» (عاملی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۵) و براین اساس چه بسا بسیاری از خرده‌فرهنگ‌های کجرویی که مانند خوارج، به تخریب‌گری و رفتارهای خشونت‌آمیز در عصر حاضر می‌پردازند، امتداد خوارج باشند. با این احتساب، ضرورت دارد تا با بررسی شیوه مواجهه امیرالمؤمنین (ع) با خوارج، به راهکاری صحیحی برای مواجهه با خرده‌فرهنگ‌های منحرف و کجرو مانند خوارج در عصر حاضر دست یابیم.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع کیفی کتابخانه‌ای است و روش آن، از جهت راهبرد حل مساله، تاریخی و از جهت گردآوری اطلاعات، استنادی و از جهت پردازش، تحلیل محتوا است. راهبرد این مقاله، پاسخ به مساله‌ای معاصر یعنی

تبدیل تهدید خرده‌فرهنگی‌های کجرو به فرصت، با مراجعه به یک نمونه تاریخی در صدر اسلام، یعنی جریان خوارج است.

پیشینه

سلیمی (۱۳۸۸)، در "همنشینی و کجروی" مبحث کجروی اجتماعی را با استفاده از تبیین خرده‌فرهنگی و با نگاه به منابع دینی بررسی کرده است (سلیمی، ابوترابی و داوری، ۱۳۸۸). مقاله حاضر چند تفاوت با این کتاب دارد:

۱. منابع دینی این کتاب، در درجه اول احادیث و سپس آیات هستند و اما اثر حاضر، به منابع تاریخی تکیه دارد.
۲. کتاب همنشینی و کجروی در بیان زمینه‌های شکل‌گیری کجروی از طریق همنشینی و شیوه‌های مواجهه با آن، بسیار جامع و دقیق است، اما اثر حاضر به دلیل اینکه به دنبال بیان فرصت‌ها و تهدیدهای خرده‌فرهنگ‌های کجرو و راه استفاده از فرصت‌های آن است، بحث زمینه‌های شکل‌گیری و شیوه‌های مواجهه را با اختصار کمتری نسبت به این کتاب و در حد مورد نیاز برای نیل به هدف مذکور بیان کرده است. همچنین اثر حاضر، رویکرد کلان‌تری نسبت به آن کتاب دارد.

۳. کتاب همنشینی و کجروی در بسیاری از بخش‌ها، نگاه نسبتاً خرد و جزئی دارد اما اثر حاضر، نگاهی کلان و حکومتی دارد.

دیگر آثار مرتبط، حداقل یک تفاوت عمده با مقاله حاضر دارند که به دلیل کثرت آن‌ها، برخی از موارد به‌طور دسته‌بندی شده ذکر می‌شوند:

دسته اول، آثاری هستند که با توجه به منابع دینی، به بررسی انحرافات و کجروی‌ها می‌پردازند، اما نگاه خرده‌فرهنگی ندارند، مانند:

محسنی تبریزی (۱۳۹۴) در مجازات آخرین راه‌کار کنترل انحرافات اجتماعی با تاکید بر دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه (محسنی تبریزی و فولادی، ۱۳۹۴، ص ۳۸۳-۴۰۴) به موضوع مجازات و مقابله با آسیب‌های اجتماعی از منظر نهج البلاغه پرداخته است.

کارخانه (۱۳۹۵) در بررسی رویکرد کنترل اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) (کارخانه و موسیوند، ۱۳۹۵، ص ۷۴-۸۶) به موضوع کنترل اجتماعی از منظر امام علی (ع) پرداخته است.

امین‌ناجی (۱۳۹۵) در روش‌های مبارزه امام علی (ع) با انحرافات اجتماعی در نهج البلاغه (امین‌ناجی، قاضی‌زاده و بهنام، ۱۳۹۵، ص ۱۰۳-۱۲۱) به موضوع مقابله با انحرافات اجتماعی از منظر امام علی (ع) پرداخته است.

دسته دوم آثاری هستند که با نگاه خرده‌فرهنگی به بررسی کجروی‌ها و انحرافات می‌پردازند، اما نگاه دینی ندارند، مانند:

پروین (۱۳۹۴) در "خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری (مطالعه موردی محله هرنندی)" به بررسی خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محله هرنندی (دروازه غار سابق) تهران و در بین گروه‌های موسوم به «غربتی» می‌پردازد. (پروین و درویشی فرد، ۱۳۹۴، ص ۵۱-۸۹)

شیرانی بیدآبادی (۱۳۹۶) در تأثیر خرده‌فرهنگ بازی‌های رایانه‌ای بر رفتارهای جامعه‌ستیز نوجوانان دبیرستانی شهر اصفهان در سال ۹۵ به مطالعه نقش انواع بازی‌های رایانه‌ای به عنوان بخشی از خرده‌فرهنگ نوجوانان در رفتارهای اجتماعی جامعه‌ستیز آنها در شهر اصفهان می‌پردازد. (شیرانی بیدآبادی، بهیان، و هاشمیان‌فر، ۱۳۹۶، ص ۱۸۵-۲۲۳)

دسته سوم، آثاری هستند که با نگاه فرهنگی به مسأله تنوع و اختلاف فرهنگی می‌پردازند که به نوعی، خرده‌فرهنگ‌های معارض را هم شامل می‌شود اما نگاه خرده‌فرهنگی به کجروی یا نگاه دینی در آن‌ها موضوعیت ندارد، مانند:

صیفار (۱۳۹۵) در "بررسی سیاست‌های حکومت آل بویه در برخورد با تنوع فرهنگی و ارائه الگوی آن" به بررسی شیوه انسجام‌بخشی آل بویه به جامعه متکثر تحت حکومت خود می‌پردازد. (صیفار، محمدی و همایون، ۱۳۹۵، ص ۱۳۶-۱۰۵)

ارغان (۱۴۰۰) در "نقش تنوع فرهنگی در بروز معضلات اجتماعی شهری (مطالعه موردی منطقه ۱۴ تهران)" به بررسی نقش عوامل فرهنگی بر افزایش معضلات اجتماعی می‌پردازد. (ارغان و ملایی، ۱۴۰۰، ص ۴۳-۲۸)

چارچوب مفهومی

برای تبیین فرصت‌ها و تهدیدهای خرده‌فرهنگ‌ها کجرو با استفاده از یک نمونه تاریخی، ابتدا باید تعریف روشنی از خرده‌فرهنگ ارائه شود، سپس در چارچوب مفهوم خرده‌فرهنگ، مفهوم کجروی تبیین شود و در نهایت، نمونه تاریخی این تحقیق که گروه خوارج هستند، ذیل مفهوم خرده‌فرهنگ کجرو، تبیین شوند.

۱. خرده‌فرهنگ

«خرده‌فرهنگ‌ها یکی از موثرترین عوامل در انحرافات اجتماعی از جمله خودکشی، انحرافات اخلاقی، اعتیاد، طلاق، سرقت و به‌طور کلی در جامعه امروزی سبب مسأله مهم و ناهنجاری به نام منکرات می‌شوند.» (ستوده، ۱۳۷۴، ص ۳۰، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی)

برای خرده‌فرهنگ، تعاریف مختلفی وجود دارد:

«بخشی از یک فرهنگ ملی، که از تلفیق موقعیت‌های اجتماعی از قبیل پایگاه طبقاتی، زمینه قومی، مسکن‌گزینی منطقه‌ای و روستایی و شهری و همبستگی مذهبی تشکیل می‌شود، اما از تلفیق این عوامل وحدتی کنشی به وجود

می‌آید که تأثیری یک‌پارچه بر فرد سهیم در فرهنگ به جای می‌نهد.» (گولد و کولب، ۱۳۷۶، ص ۶۳۳)

«یک فرهنگ در دل فرهنگ دیگر است و شامل هنجارها، ارزش‌ها و رفتار تقریباً متمایز گروه‌های خاص موجود در جامعه می‌شود. مفهوم خرده‌فرهنگ بر درجه‌ای از خودکفایی گروهی دلالت دارد به طوری که افراد ممکن است درون گروه خود تعامل نمایند، شغل، سرگرمی، دوست و همسر و جفت بیابند و حتی اعضای آن ممکن است در برابر فرهنگ اصلی یا مسلط مقاومت و ایستادگی نمایند و همه یا بخشی از مؤلفه‌های آن را نپذیرند.» (میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۴۸۲)

«زیرفرهنگ - خرده‌فرهنگ - فرهنگ جزئی، بدان فرهنگ گروهی^۱ در مقایسه با فرهنگ کلی یک جامعه نیز اطلاق می‌شود. شیوه‌ها و مناسکی است خاص گروهی از مردم در بطن یک جامعه یا فرهنگ، گروه‌های سنی، قومی و ... در مواردی چنان شناسنامه‌های خاص می‌یابند که در برابر فرهنگ کل جامعه مقاومت می‌نمایند.» (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۷۹۴)

«خرده‌فرهنگ عبارت است از گروهی که در فرهنگ جامع و کلی جامعه سهیم بوده و دارای ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های زندگی خاص خود می‌باشد.» (رابرتسون، ۱۳۷۴، ص ۷۹)

«ایتزن و زین، خرده‌فرهنگ را نظام فرهنگی نسبتاً منسجمی تعریف می‌کنند که در شکل و محتوا متفاوت با فرهنگ غالب است.» (امین صارمی، ۱۳۸۰، ص ۷۶)

«به هر بخشی از جمعیت که به واسطه الگوهای فرهنگی‌شان از بقیه جامعه قابل تشخیص هستند، خرده‌فرهنگ گفته می‌شود.» (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۳۹)

«(درسلر و ویلز)... خرده‌فرهنگ‌ها را گروهی اجتماعی تعریف می‌کنند که هنجارها و ارزش‌هایشان از جهاتی متفاوت با هنجارها و ارزش‌های غالب است.» (امین صارمی، ۱۳۸۰، ص ۷۶)

«فرهنگی کوچک‌تر در داخل یک فرهنگ بزرگ‌تر، که علی‌رغم ویژگی‌های خاص آن به عنوان جزئی از یک نظام فرهنگی گسترده به حساب می‌آید.» (محسنی، ۱۳۹۳، ص ۸۹)

«خرده‌فرهنگ‌ها شیوه زندگی گروه‌های خاص در درون یک فرهنگ وسیع‌تر است. خرده‌فرهنگ‌ها، بسیاری از شیوه‌های زندگی فرهنگ‌های پیرامون خود را می‌پذیرند، اما همچنان برخی از انتظارات، کنش‌های خاص، اشیای مادی و روش‌های کار خود را حفظ می‌کنند. بنابراین شیوه زندگی گروه‌های کوچک‌تر تا حدی شبیه به فرهنگ مجاور است، اما در عین حال از آن متمایز و مشخص می‌شود.» (امین صارمی، ۱۳۸۰، ص ۷۶-۷۷)

.....
1. group culture.

خرده‌فرهنگ، «نظام فرهنگی (زبان، هنجارها، ارزش‌ها، وجدان جمعی، الگوهای حرکات و ادای رفتاری و...) گروهی که به رغم برخورداری از عناصر مشترک، تا حدی در شکل و محتوا متفاوت با نظام فرهنگی غالب یا مورد قبول اکثریت است.» (افروغ، ۱۳۷۹، ص ۴۶)

۲. خرده‌فرهنگ کجرو

در یک جامعه بر حسب شغل و موقعیت اجتماعی و اقتصادی و سن و جنس، خرده‌فرهنگ‌های کاملاً متمایز از یکدیگر وجود دارد (روح‌الامینی، ۱۳۷۹، ص ۳۰). لذا انواع خرده‌فرهنگ‌هایی مانند منطقه‌ای، نژادی، قومی، دینی، شغلی و گروهی و انحرافی به وجود می‌آیند (محسنی، ۱۳۹۳، ص ۹۰-۹۱). خرده‌فرهنگ‌ها به انواع مذهبی و قومی و طبقاتی محدود نمی‌شوند. بلکه پیرامون گروه‌هایی مانند معتادان و زندانیان، خرده‌فرهنگ‌های انحرافی شکل می‌گیرد (محسنی، ۱۳۹۳، ص ۹۱). وقتی یک خرده‌فرهنگ، در مقام مخالفت فعال با فرهنگ کلان و مسلط قرار می‌گیرد، ضد فرهنگ نامیده می‌شود. (محسنی، ۱۳۹۳، ص ۹۱)

با توجه به آنچه گذشت، دو حیث مفهومی برای خرده‌فرهنگ‌های کجرو لحاظ می‌شود. یکی تبیین گستره و شکل این مفهوم در مقام عمل و دیگری، تبیین کجروی با استفاده از مفهوم خرده‌فرهنگ.

از جهت شکل و عمق خرده‌فرهنگی، تقریباً طبق تمام تعاریف، خرده‌فرهنگ، به معنای ترکیب فرهنگی است (امین صارمی، ۱۳۸۰، ص ۸۰-۸۱). طبق دیدگاه اکثر جامعه‌شناسان ایرانی و خارجی، نسبت خرده‌فرهنگ به فرهنگ کلان جامعه، نسبت ترکیبی است. بدین صورت که خرده‌فرهنگ، خودش یک فرهنگ است ولی در بخش‌هایی با فرهنگ کلان یا غالب جامعه اشتراک دارد. یعنی ما دو فرهنگ داریم که یکی خرد یا مغلوب و دیگری کلان یا غالب است که این‌ها باهم اشتراک دارند و در کنار هم قرار گرفته‌اند.

دیدگاه نسبتاً جدیدتری که درباره خرده‌فرهنگ، خصوصاً خرده‌فرهنگ‌های کجرو در غرب شکل گرفته است و آن نگاه به خرده‌فرهنگ به عنوان سبک است (امین صارمی، ۱۳۸۰، ص ۸۱). این دیدگاه در تضاد با دیدگاه ترکیب فرهنگی نیست، چراکه خرده‌فرهنگ را یک بسته منسجم فرهنگی می‌داند (هبدیج، ۱۳۹۸، ص ۱۴۷-۱۴۸) که با فرهنگ غالب و مسلط جامعه اشتراکات قابل توجهی دارد (هبدیج، ۱۳۹۸، ص ۱۱۳). نوآوری این دیدگاه نگاه آن به خرده‌فرهنگ، از یک زاویه دیگر است. طبق این دیدگاه: خرده‌فرهنگ شکلی از مقاومت است که اعتراضات نسبت به ایدئولوژی حاکم بر جامعه را به‌طور غیرمستقیم و در قالب سبک بیان می‌کند (هبدیج، ۱۳۹۸، ص ۲۷ و ۱۷۰-۱۷۱).^۱ سبک‌ها «ژست‌ها و حرکاتی در جهت کلام هستند که «اکثریت خاموش» را آزرده می‌کنند، اصل وحدت و یکپارچگی را به چالش می‌کشند و با مغلطه

۱. «خرده‌فرهنگ‌ها به‌طور مستقیم به چالش کشیدن سلطه را بازنمایی نمی‌کنند. در عوض این امر به‌طور غیرمستقیم و در هیئت سبک بیان می‌شود. به شکلی عمیقاً سطحی و ظاهری، یعنی در سطح نشانه‌ها، اعتراضات صورت می‌گیرند و تناقضات نمایش داده می‌شوند»

اجماع در تضادند» (هبدیج، ۱۳۹۸، ص ۲۸). نوآوری دیگر خرده‌فرهنگ به معنای سبک، این است که نگاه رقیق‌تر، سطحی‌تر و سیال‌تری نسبت به خرده‌فرهنگ دارد، یعنی مفهوم خرده‌فرهنگ بر نوع خاصی از سبک پوشش یا گوش دادن به یک موسیقی خاص نیز صادق است و به نیازی به یک دستگاه منسجم فکری و رفتاری نیست.

در این تحقیق هر دو دیدگاه کلان نسبت خرده‌فرهنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین صورت که خرده‌فرهنگ ابتدا به مثابه سبک شکل می‌گیرد و در صورت فراهم بودن شرایط، به تدریج به امری فراتر از سبک تبدیل می‌شود.

از جهت تبیین خرده‌فرهنگی کجروی، دیدگاه‌های نسبتاً متفاوتی موجود است که «محور اصلی آن‌ها، متعارض قلمدادکردن هنجارها و ارزش‌هایی است که گروه‌های متفاوت قومی یا طبقاتی یا خرده‌فرهنگ‌های موجود در جامعه، بدان پای‌بندند. تعارضی که در جمع با فشار ناشی از اهرم‌های ایجاد هم‌نویی در هر گروه یا خرده‌فرهنگ، اعضای آن را به پای‌بند نماندن به هنجارهای گروه یا خرده‌فرهنگ بیگانه وا می‌دارد؛ هرچند که آن هنجارها، هنجارهای زیربنایی و مسلط در جامعه باشد» (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۱۸۳). طرفداران این نظریه، جرم و کجروی را امری اکتسابی و قابل آموزش می‌دانند که افراد از طریق حضور در گروه یا طبقه‌ای کجرو آن را می‌آموزند (وایت و هینز، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹). یکی از زمینه‌های شکل‌گیری اولیه این طبقات یا گروه‌های کجرو، نابرابری اجتماعی است. (وایت و هینز، ۱۳۸۳، ص ۱۷۰)

خرده‌فرهنگ خوارج

خوارج نام گروهی از یاران امیرالمومنین علی (ع) است که در جنگ صفین و بعد از ماجرای حکمیت، از فرمان آن حضرت تمرد کردند و از لشکر ایشان جدا شدند (عودی، ناجی، مفتخری، زارع و صفری، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱). بسیاری از خوارج در شورش علیه عثمان و قتل او نقش داشتند (ابن مزاحم، ۱۳۷۰، ص ۶۷۴) و شاید بتوان مفاسد اجتماعی در حکومت عثمان (جعفریان، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰-۱۵۸) را یکی اصلی‌ترین از ریشه‌های شکل‌گیری این جریان دانست. خوارج دارای نمادها و ارزش‌های خاصی بودند که در دل جامعه اسلامی، آن‌ها را از دیگران متمایز می‌کرد. برای مثال:

خوارج موهای خود را به گونه‌های خاص اصلاح می‌کردند. یا سرشان را می‌تراشیدند (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۴۰) یا میانه سرشان را از ته می‌تراشیدند و اطراف آن را مانند کلاله باقی می‌گذاشتند یا به حدی کوتاه می‌کردند که پوست را بپوشاند و به نرمه گوش نرسد که به این مورد، تسبید می‌گفتند (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۴۱). از این رو دیگر مسلمانان در مخالفت با آن‌ها موی خود را کوتاه نمی‌کردند. (عودی، ناجی، مفتخری، زارع و صفری، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۶)

با وقار و تواضع راه می‌رفتند. (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۴۱)

در ظاهر بسیار زاهد بودند. (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۹-۳۷۲)

لباسشان تا نیمه ساق پا بود. (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۴)

شعارهای جذابی مانند «لا حکم الا لله» داشتند. (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۳-۲۹۴)

با توجه به این مطالب و مطالب بخش قبل، از جهت شکل و عمق خرده‌فرهنگی، می‌توان خوارج را در ابتدای امر، خرده‌فرهنگ به معنای سبک دانست، چرا که در ابتدای امر، نظام فکری و عقیدتی خاصی بر این جریان حاکم نبود و شاید تنها وجه اشتراک آن‌ها بحث حرمت حکمیت و تکفیر قاتلان به حکمیت بود (صابری، ۱۳۹۰، ص ۳۳۹). اما خوارج به تدریج از معنای سبک فراتر رفتند و دستگاه‌های فکری و آیینی خود را تولید کردند. برای خوارج بیش از بیست فرقه ذکر شده است که حدود هشت مورد از آن‌ها فرقه اصلی محسوب می‌شوند و الباقی، شاخه‌هایی از آن فرقه‌های اصلی هستند (صابری، ۱۳۹۰، ص ۳۴۷-۳۴۹). در این شرایط، شکل و عمق خرده‌فرهنگی خوارج افزایش یافت و تبدیل به یک خرده‌فرهنگ تام و کامل شدند و نخستین حزب سیاسی و فرقه دینی در تاریخ اسلام شدند. (عودی، ناجی، مفتخری، زارع و صفری، ۱۳۹۱، ج ۴۴، ص ۱۶)

از جهت تبیین خرده‌فرهنگی کجروی، شاید بتوان در ابتدای امر، برای خوارج ریشه‌های قومی و طبقاتی قائل شد، چراکه اکثر رهبران اصلی خوارج، از قبیله بنی تمیم بودند (جعفری، ۱۳۷۲، ص ۱۵؛ جعفریان، ۱۳۹۲، ص ۳۰۹-۳۱۰) و اختصاص خلافت به قریش را نمی‌پذیرفتند (صابری، ۱۳۹۰، ص ۳۴۹) و ظاهراً اولین ظهور جمعی آن‌ها، در اعتراض به مفساد خلیفه سوم و بنی امیه بود که منجر به قتل خلیفه سوم شد (ابن مزاحم، ۱۳۷۰، ص ۶۷۴؛ جعفریان، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰-۱۵۸ و ۳۰-۳۱۰). اما خوارج کم‌کم بعد اندیشه‌ای پیدا کردند و با گسترش اندیشه آن‌ها، فرقه‌های گوناگون خوارج، در نقاط مختلف جهان اسلام، ظهور و بروز یافتند. یعنی مطابق نظریات خرده‌فرهنگی، یک نابرابری اجتماعی موجب شکل‌گیری هسته‌های اولیه گروه کجرویی به نام خوارج می‌شود و افراد دیگری، از طریق ارتباط و یادگیری، به این گروه می‌پیوندند و هنجارهای کجروانه آنان را می‌پذیرند و بدان عمل می‌کنند.

خرده‌فرهنگ‌های کجرو و فرصت وفاق اجتماعی

یکی از مولفه‌های تحلیل کلان نظم اجتماعی، توجه به موجودیت آن در سطح روابط میان گروه‌های اجتماعی است. توجه به این مولفه، به خصوص در جوامع معاصر که دسته‌بندی‌های اجتماعی در آن فراوان است اهمیت مضاعف می‌یابد و آشکار است که فقدان یا ضعف توانایی در ایجاد این سطح از نظم، حیات جامعه را تهدید می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹). برای مثال، در عصر حکومت‌های علوی، اموی و عباسی، با قرارنگرفتن خوارج در چارچوب نظم اجتماعی و از بین بردن وفاق اجتماعی، زمینه سقوط حکومت‌های مختلف را فراهم کردند.

خوارج به‌طور مداوم با هنجارهای مسلط جامعه خود مبارزه می‌کردند لذا با اغلب جریان‌های حاکم درگیر شدند. آن‌ها هم در قتل عثمان شریک بودند و هم علیه امام علی (ع) و معاویه می‌جنگیدند (ابن مزاحم، ۱۳۷۰، ص ۶۷۴؛ عودی، ناجی، مفتخری، زارع و صفری، ۱۳۹۱، ج ۴۴، ص ۷ و ۱۶). بعدها بنی زبیر را نیز تکفیر کردند و با

آن‌ها جنگیدند اما در جنگ با امویان به بنی‌زبیر یاری رساندند (عودی، ناجی، مفتخری، زارع و صفری، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۷). در این شرایط وقتی خوارج با یکی از دشمنان خود درگیر می‌شدند، در حقیقت به نفع دشمن دیگر خود عمل می‌کردند. برای مثال وقتی خوارج با امام علی (ع) درگیر می‌شدند، در حقیقت در حال تضعیف لشکر ایشان، برای جنگ با معاویه بودند و جنگ خوارج با امام علی (ع)، به سود معاویه بود. امام حسن (ع) نیز از این نکته غافل نبودند و مانع از حضور خوارج در لشکر خود نمی‌شدند (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۳؛ عودی، ناجی، مفتخری، زارع و صفری، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۷) بعدها زید فرزند امام سجاد (ع) نیز در لشکر خود از خوارج استفاده می‌کند (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۴). حتی ابن زبیر و ابومسلم خراسانی هم از این نکته غفلت نکردند و از خوارج علیه بنی‌امیه استفاده کردند (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۵). یکی از عوامل اصلی سقوط بنی‌امیه نیز همین خوارج بودند، به این صورت که مروان حمار، آخرین خلیفه اموی، به دلیل جنگ با خوارج، نتوانست به نصر بن سیار، عامل خود در خراسان که با ابومسلم می‌جنگید، کمک کند (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۳۶۳ و ۴۰۵) و بدین گونه ابومسلم توانست خلافت بنی‌امیه را سرنگون کند.

در صورتی که فرهنگ غالب و مسلط جامعه با تعامل و ارتباط موفق با خرده‌فرهنگ‌های کجرو، نظم و وفاق اجتماعی را حفظ کند، فرصتی بی‌نظیر جهت پیشبرد اهداف جامعه حاصل می‌شود. برای مثال، امیرالمؤمنین علی (ع) در بخش اعظم دوران حکومت خود، با ایجاد همنوایی و اتحاد بین گروه‌های مختلف، به پیشبرد امور مختلف جامعه اسلامی پرداختند.

امیرالمؤمنین (ع) با صبر و مدارا مقابل مخالفین، تهدید خرده‌فرهنگ‌های کجرو را به فرصتی برای پیشرفت جامعه اسلامی و حفظ اتحاد مردم را جهت مقابله با دشمن اصلی یعنی معاویه حفظ کردند. برای مثال، پیش از جنگ صفین، قاریان کوفه نزد امیرالمؤمنین (ع) آمدند و گفتند نمی‌دانند حق با چه کسی است و لذا تقاضای لشکرگاہی جداگانه کردند تا هرگاه منکری از هرکدام از طرفین جنگ دیدند علیه او پیکار کنند (ابن مزاحم، ۱۳۷۰، ص ۱۶۱ و ۱۶۲). این کلام قاریان کوفی نشان می‌دهد که آنان مقام امامت و ویژگی‌های حضرت علی (ع) را نشناخته‌اند، با این حال امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «آفرین، خوش آمدید، این معنی به کار بردن بصیرت در دین، و کار بستن دانش در سنت است و هر کس به چنین پیشنهادی راضی نشود بی‌گمان خائن و ستمگر باشد.» (ابن مزاحم، ۱۳۷۰، ص ۱۶۲)

اهمیت این جریان زمانی روشن می‌شود که بدانیم این افراد تاثیر مهمی در جنگ داشتند و گرایش و تمایل آنان به هریک از طرفین، می‌توانست پیروزی آن را تضمین کند، لذا معاویه از جهت‌گیری این افراد بسیار بیمناک بود و در پی فریب آنان بود (ابن مزاحم، ۱۳۷۰، ص ۲۶۰)، و در نهایت آنان فریب خوردند و یکی از پایه‌های اصلی تحمیل حکمیت بر امام علی (ع) را تشکیل دادند و بعدها بخشی از خوارج شدند (ابن مزاحم، ۱۳۷۰، ص ۶۷۳-۶۷۴). پس از جدا شدن خوارج، دیگر هیچگاه نظم و انسجام قبلی و در نتیجه فرصت مبارزه با معاویه محقق نشد. (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۶۳)

نمونه دیگری که فرصت‌های نهفته در جریان خوارج برای جامعه اسلامی را نشان می‌دهد، این است که طبق شواهد تاریخی، در سپاه امیرالمؤمنین(ع)، کمتر پنجاه شیعه حضور داشته‌اند و امیرالمؤمنین(ع) به کمک بخشی از مخالفین خود توانست بر دشمنان غلبه کند (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۶۳). از نظر علامه سیدجعفر مرتضی عاملی، کاری که حضرت امیر(ع) کردند، نوعی اعجاز بود، چرا که با بخشی از دشمنان خود، ابتدا با طلحه و زبیر مقابله کردند که از پیشگامان در اسلام بودند و قریش نیز آنان را تایید می‌کرد. عایشه همسر پیامبراکرم (ص) و دختر خلیفه نخست نیز همراه آنان بود. سپس با معاویه که بیش از صد هزار نفر از مردم شام همراه او بودند جنگید و پس از آن، به جنگ خوارج رفت که برادران، پدران و فرزندان مردم عراق بودند. (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۶۳)

تهدید حاشیه‌نشینی و کجروی

فراهم نیامدن زمینه تفاهم میان گروه‌ها در جامعه، سبب می‌شود که هر گروه به ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود پای بند بماند و در نهایت به یک خرده‌فرهنگ منزوی و حتی معارض و کجرو تبدیل شوند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۰). اعضای خرده‌فرهنگ‌های کجرو، حامل ارزش‌های کجروانه‌ای می‌شوند که افراد مستعد کجروی، در همنشینی با آن‌ها هنجارها و ارزش‌های معارض با فرهنگ کلان جامعه را می‌آموزند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰، ص ۳۹۹). یکی از آسیب‌هایی که موجب تشدید آموزش هنجارها و ارزش‌های معارض و در نتیجه تشدید آسیب‌های اجتماعی می‌شود، حاشیه‌نشینی است. چراکه حاشیه‌نشینی، فرصت آموزش و پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ غالب و رسمی جامعه برای اعضای خرده‌فرهنگ‌های کجرو را کاهش می‌دهد.

به عنوان نمونه، خوارج به دلیل خلق و خوی سخت و عنادورزانه خود، ظرفیت و استعداد تفاهم با دیگر گروه‌های جامعه را از دست دادند و به تدریج از مراکز مهم تصمیم‌گیری و پایگاه‌های سیاسی، فرهنگی و تمدنی جهان اسلام دور شدند و از صحنه تحولات جامعه به دور ماندند (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۴۴۴). آن‌ها پس از جنگ صفین، به منطقه‌ای در حاشیه کوفه به نام حرورا رفتند و در آنجا ساکن شدند. امام علی(ع) این مساله را تحمل نکردند و به‌طور مکرر خودشان یا اصحابشان به میان خوارج رفتند و در نهایت با توریه، آن‌ها را به کوفه بازگرداندند. اما منافقینی مانند اشعث بیکار نمانند و با توطئه و دسیسه‌چینی بر نقاط اختلاف امیرالمؤمنین(ع) و خوارج دمیدند تا اینکه خوارج دوباره از کوفه خارج شدند و زمینه جنگ نهروان شکل گرفت. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۷۸-۲۷۹)

خوارج پس از اینکه مجدداً به حرورا در حاشیه کوفه رفتند، به قتل و غارت و ایجاد ناامنی پرداختند (عودی، ناجی، مفتخری، زارع، صفری، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۴ و ۱۶). در این مرحله امام علی(ع) اغماض نکردند و پس از اینکه خوارج حاضر به توبه نشدند، به جنگ آن‌ها رفتند و آن‌ها را نابود کردند. امام علی(ع) راجع به آینده خوارج فرمودند «هرگاه مهتری از آنان سر برآرد، از پایش دراندازند چنان که واپسین آن‌ها دزدانی غارتگر باشند» ((عودی، ناجی، مفتخری، زارع، صفری، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۳۹۱) این آینده نیز برای خوارج محقق شد (مرتضی عاملی،

۱۳۸۵، ۴۴۳-۴۴۴) و سرانجام به تعبیر امیرالمؤمنین علی(ع)، به صورت دزدانی راهزن درآمدند (عودی، ناجی، مفتخری، زارع، صفری، ۱۳۹۱، ج ۴۴). آنان به شهرهای دوردست پناه برده و به بهانه کفر همه جا را غارت کردند. (جعفریان، ۱۳۹۲، ص ۳۱۵)

اهرم‌های رسمی کنترل خرده‌فرهنگ‌های کجرو

با توجه به اینکه اغلب موارد مواجهه امیرالمؤمنین علی(ع) با خوارج در قالب رابطه حاکم با مردم بود، روش‌های برخورد ایشان با خوارج در قالب اهرم‌های کنترل رسمی قرار می‌گیرد. «کنترل‌های رسمی، اقدام‌های حکومت‌ها در برابر رفتارهای مجرمانه‌اند. اینگونه اقدام‌ها در دو محور کلی، دسته‌بندی می‌شوند:» یک: قانون‌گذاری و مجازات، دو: رویه‌های اجرایی (سلیمی، داوری، ۱۳۸۰، ص ۲۵۴). در این بخش، ذیل دو محور مذکور، به دو مصداق اهرم رسمی که توسط امیرالمؤمنین(ع) به کار گرفته شد، پرداخته می‌شود.

۱. رویه اصلاح‌همنشینی

همانطور که در چارچوب نظری گذشت، براساس تبیین خرده‌فرهنگی کجروی، جرم و کجروی امری اکتسابی و قابل آموزش است که افراد از طریق حضور در گروه یا طبقه‌ای کجرو آن را می‌آموزند (وایت، هینز، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹). یعنی عنصر اصلی این تبیین، در درجه اول همنشینی و به تبع آن یادگیری است. امیرالمؤمنین علی(ع) نیز برای مقابله با خوارج، روی همین دو عنصر دست می‌گذارند و سعی می‌کنند همنشینی و آموزش خوارج را اصلاح کنند.

در بُعد همنشینی، امام علی(ع) جدایی و حضور خوارج در حرور را برنفتند و به‌طور مکرر خودشان و اصحابشان به میان خوارج رفتند و در نهایت آن‌ها را به کوفه بازگرداندند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۷۸-۲۷۹) تا با همه مردم، خصوصاً شخص امیرالمؤمنین علی(ع) و شیعیان هم‌نشینی داشته باشند.

در بعد یادگیری نیز، امیرالمؤمنین علی(ع) به‌طور مداوم با خوارج بحث و مناظره داشتند تا در آموخته‌های خوارج از رهبران‌شان، تغییر و تحول ایجاد کنند. طبق برخی از نقل‌ها، مناظرات امام و اصحابشان با خوارج، حدود شش ماه طول کشید (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۷). نتیجه این اصلاح همنشینی و یادگیری این شد که بسیاری از خوارج پشیمان شدند و دست از مخالفت با امام علی(ع) برداشتند (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸) و حتی آن عده از خوارج که توبه نکردند، تحت تاثیر همنشینی و گفت‌وگو با امیرالمؤمنین علی(ع) رفتار ملایم‌تری نسبت به خوارج شهرهای دیگر پیدا کردند که هم‌نشینی امام نبودند و بحث و مناظره‌ای با ایشان نداشتند. (عودی، ناجی، مفتخری، زارع، صفری، ۱۳۹۱، ج ۴۴، ص ۱۴)

۲. مجازات سخت و قانونی

اگرچه خرده‌فرهنگ‌های کجرو در برخی کجروی‌ها، دارای آزادی‌هایی در جامعه هستند که باید با برخورد نرم

علمی و فرهنگی حل و رفع شود، اما دارای محدودیت‌هایی هستند که به هیچ وجه قابل مسامحه نیست و نیازمند جرم‌انگاری و مجازات قانونی است. برای مثال، پس از اینکه خوارج مجدداً به حرورا در حاشیه کوفه رفتند و به قتل و غارت و ایجاد ناامنی پرداختند (عودی، ناجی، مفتخری، زارع، صفری، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۴ و ۱۶) امام علی (ع) اغماض نکردند و پس از اینکه خوارج حاضر به توبه نشدند، با آنها جنگیدند و آنها را نابود کردند.

البته باید در نظر داشت که جنگ با خوارج نه تنها در اولویت امیرالمؤمنین (ع) نبود، بلکه سعی در جذب خوارج داشتند و رفتار ایشان با خوارج بسیار ملایم بود و راه‌کار اصلی از منظر ایشان، همان اصلاح رویه همنشینی بود. برای مثال ایشان از دشنام دادن به خوارج نهی کردند و فرمودند: «به خوارج ناسزا نگویند، اگر با امام عادل جنگیدند با آنها بجنگید و اگر با امام ستمگری جنگیدند با آنها نجنگید که آنان را در این اقدام گفتاری هست» (کوفی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۵۲).^۱ امام به این مسأله اکتفا نکردند و بارها سعی کردند که با استدلال و بیان خوش، خوارج را جذب کنند.

شیوه امام در جذب خوارج به گونه‌ای بود که وقتی خوارج، امام علی (ع) را تکفیر می‌کردند، امام با نرمش با آنها برخورد می‌کرد (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۰). دشمنان امام علی (ع) در غیر از حالت جنگی، از ایشان نمی‌ترسیدند، حتی اهل شام. عمرو بن عاص در جنگ صفین به معاویه می‌گوید: «عراقیان از اینکه تو بر آنها دست یابی بیم دارند ولی شامیان از اینکه علی بر آنان چیره باشد باکی ندارند» (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵؛ ابن مزاحم، ۱۳۷۰، ص ۶۵۵) خوارج نیز نمی‌ترسیدند که امام علی (ع) به آنها ظلم و خیانت بکند، لذا وقتی امام در واپسین لحظات قبل از جنگ نهران به آنها امان می‌دهد و می‌گوید در دسته‌های کوچک نزد من بیاوید و به قتل عبدالله بن خباب اعتراف کنید، آنها با خیال راحت در دسته‌های کوچک نزد امام می‌آیند و به قتل عبدالله بن خباب اعتراف می‌کنند و می‌روند (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۷). چیزی که خوارج از آن می‌ترسیدند، قدرت علمی امام بود، لذا یکدیگر را از بحث و احتجاج با امام علی (ع) برحذر می‌داشتند (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۲). حتی در برخی از نقل‌ها، خوارج جنگ طلبی که تا آخر تسلیم نشدند و با امام جنگیدند گفتند: «او با سخنان شیرین خود ما را از جنگ بازداشت». (مرتضی عاملی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۹)

نتیجه‌گیری

با توجه به نمونه خوارج، خرده‌فرهنگ‌های کجرو، دارای فرصت‌ها و تهدیدهایی هستند که از هیچکدام نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. شرط اصلی استفاده از فرصت خرده‌فرهنگ‌های کجرو، رویه اصلاح همنشینی در این خرده‌فرهنگ‌ها و صبر و رواداری در مقابل آنها و عدم اختلاف و درگیری به صرف تفاوت فکر و عقیده است؛ شیوه‌ای که امیرالمؤمنین علی (ع) از طریق آن، با خوارج مقابله کردند و بخش اعظم سپاه خوارج جدا کردند و به

۱. لا تسبوا الخوارج فان قاتلوا امام عدل فقاتلوهم و ان قاتلوا اما جور فلا فان لهم بذلك مقالا.

جامعه بازگرداندند. این شیوه دقیقاً مطابق با نظریات خرده‌فرهنگی در تبیین کجروی است. یعنی همان‌طور که کجروی بسیاری از خوارج ناشی از همنشینی با افراد کجرو و یادگیری کجروی از آنان بود، آن حضرت نیز سعی در تغییر همین دو مساله، یعنی سعی در دگرگونی همنشینی خوارج و به تبع آن، سعی در دگرگونی آموزش خوارج داشتند. لذا ابتدا سعی کردند تا حد امکان خوارج را به متن جامعه بازگردانند تا با عموم مردم همنشین باشند و گام بعدی از طریق بحث و مناظره علمی، سعی کردند هنجارهای صحیح را به آن‌ها بیاموزند. برخوردهای سخت و نظامی آن حضرت نیز، نه به دلیل اختلاف فکر و عقیده، بلکه به سبب جراتم و جنایت خوارج بود.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید ج ۲، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- ابن مزاحم، نصر، (۱۳۷۰)، پیکار صفین، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابوزهره، محمد، (۱۳۸۴)، تاریخ مذاهب اسلامی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ارغان، عباس و ملایی، اعظم، (۱۳۹۸)، «نقش تنوع فرهنگی در بروز معضلات اجتماعی شهری (مطالعه موردی منطقه ۱۴ تهران)»، جغرافیا و روابط انسانی، شماره ۴، ص ۴۳-۲۸.
- افروغ، عماد، (۱۳۷۹)، فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی، تهران: موسسه فرهنگ و دانش.
- امین صارمی، نودز، (۱۳۸۰)، خرده‌فرهنگ‌ها و انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- امین ناجی، محمدهادی و قاضی‌زاده، کاظم و بهنام، غلامرضا، (۱۳۹۵)، «روش‌های مبارزه امام علی (ع) با انحراف‌های اجتماعی در نهج البلاغه»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های نهج البلاغه، سال پانزدهم، شماره ۵۱، ص ۱۰۳-۱۲۱.
- بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ‌های ۷ خرداد ۱۳۹۸ و ۲۹ بهمن ۱۳۹۶.
- پروین، ستار و درویشی فرد، علی اصغر، (۱۳۹۴)، «خرده فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری (مطالعه موردی محله هرندی)»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۳، ص ۵۱-۸۹.
- جعفری، یعقوب، (۱۳۷۲)، خوارج در تاریخ، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفریان، رسول، (۱۳۹۲)، تاریخ سیاسی اسلام ۲: تاریخ خلفا، قم: دلیل ما.
- رابرتسون، یان، (۱۳۷۴)، درآمدی بر جامعه، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- روح‌الامینی، محمود، (۱۳۷۹)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: نشر عطار.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- ستوده، (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی.

- سلیمی، علی و ابوترابی، محمود و داوری، محمد، (۱۳۸۸)، *همنشینی و کجروی: نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران.
- سلیمی، علی و داوری، محمد، (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی کجروی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شیرانی بیدآبادی، عزت و بهیان، شاپور و هاشمیان‌فر، سید علی، (۱۳۹۶)، «تأثیر خرده فرهنگ بازی‌های رایانه‌ای بر رفتارهای جامعه ستیز نوجوانان دبیرستانی شهر اصفهان در سال ۹۵»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، دوره هجدهم، شماره چهارم، ص ۱۸۵-۲۲۳.
- صابری، حسین، (۱۳۹۰)، *تاریخ فرق اسلامی ۱*، تهران: سمت.
- صیفار، مهدی محمدی و همایون، محمدهادی، (۱۳۹۵)، *بررسی سیاست‌های حکومت آل بویه در برخورد با تنوع فرهنگی و ارائه الگوی آن*، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، ص ۱۳۶-۱۰۵.
- عودی، ستار و ناجی، محمدرضا و مفتخری، حسین و زارع، محمد و صفری، وحید، (۱۳۹۱)، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۴، خوارج، تهران: کتاب مرجع.
- کارخانه، جواد و موسیوند، جواد، (۱۳۹۵)، «بررسی رویکرد کنترل اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)»، مجله مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره دوم - شماره ۱/۴، ص ۷۴-۸۶.
- کوفی، محمد بن سلیمان، (۱۴۱۲ق)، *مناقب الإمام أمير المؤمنين علی بن أبي طالب علیهما السلام*، ج ۳، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
- گولد، جولوس و کولب، ویلیام ل، (۱۳۷۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، تهران: مازیار.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا و فولادی، حفیظ الله، (۱۳۹۴)، «مجازات آخرین راه‌کار کنترل انحرافات اجتماعی با تاکید بر دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه»، فصلنامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال پنجم، شماره دو، ص ۳۸۳-۴۰۴.
- محسنی، منوچهر، (۱۳۹۳)، *مقدمات جامعه‌شناسی*، تهران: نشر دوران.
- مرتضی عاملی، سیدجعفر، (۱۳۸۵)، *امام علی (ع) و خوارج*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.
- میرزایی، خلیل، (۱۳۹۳)، *فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی*، تهران: نشر فوژان.
- هبیدیچ، دیک، (۱۳۹۸)، *خرده فرهنگ: معنای سبک*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- وایت، راب و هینز، فیونا، (۱۳۸۳)، *جرم و جرم‌شناسی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.